سرمقاله

اقتصاد سایه و تاب‌آوری نامرئی

ادامه از صفحه یک

با این حال، نباید تمام فعالیت‌های غیررسمی را واکنشی اجتناب‌ناپذیر یا الزاماً مفید تلقی کرد؛ انگیزه‌ها و پیامدهای آنها به شرایط نهادی و اقتصادی هر جامعه وابسته است.

در کنار این چارچوب، مفهوم «خلأهای نهادی» که در ادبیات اقتصاد و مدیریت با آثار تارون خانا و کریشنا پالپو شناخته می‌شود، امکان تحلیل دقیق‌تری فراهم می‌کند. این مفهوم به غیبت یا ناکارآمدی نهادهایی اشاره دارد که برای عملکرد منظم بازار ضروری هستند؛ از نظام‌های مالی و اطلاعاتی گرفته تا سازوکارهای حقوقی و ارتباط میان عرضه‌کننده و مصرف‌کننده. در شرایط جنگی، تضعیف این نهادها می‌تواند هزینه مبادله را افزایش دهد و بنگاه‌ها را به سمت شبکه‌های شخصی، روابط محلی و توافق‌های جایگزین سوق دهد. با این حال، آنچه در ظاهر خلأ نهادی به نظر می‌رسد، الزاماً فضای خالی از هرگونه قاعده نیست؛ شبکه‌های اجتماعی و روابط اعتمادمحور نیز می‌توانند قواعد خاص خود را ایجاد کنند، هرچند دسترسی به این شبکه‌ها برای همه یکسان نیست.

از سوی دیگر، اقتصاد سایه در شرایط جنگی یک چهره متناقض دارد. از یک طرف، کسب‌وکارهای کوچک و شبکه‌های غیررسمی می‌توانند در تأمین مواد اولیه، تعمیر تجهیزات، توزیع کالا و حفظ اشتغال نقش ایفا کنند. در شرایطی که بنگاه‌های بزرگ با محدودیت منابع مواجه‌اند، همین ظرفیت‌های پراکنده ممکن است امکان استمرار بخشی از تولید را فراهم سازند. از طرف دیگر، کمیابی کالا و ضعف نظارت می‌تواند زمینه افزایش قیمت‌های غیرشفاف، احتکار، انحصار و دسترسی نابرابر به منابع را ایجاد کند. بنابراین، نباید میان تاب‌آوری اقتصادی و گسترش اقتصاد سایه رابطه‌ای خودکار و قطعی برقرار کرد. برخی شبکه‌ها شکاف‌های موجود را جبران می‌کنند و برخی دیگر از همان شکاف‌ها برای کسب رانت و انباشت قدرت اقتصادی بهره می‌برند.

مسئله مهم دیگر، رابطه دولت با شبکه‌های غیررسمی است. در جنگ، تأمین کالاهای ضروری و تداوم فعالیت اقتصادی به ظرفیت‌هایی وابسته می‌شود که در ساختار رسمی جای ندارند. نادیده گرفتن کسب‌وکارهای کوچک، شبکه‌های محلی و مبادلات غیررسمی، توان اقتصاد کشور را از دید سیاست‌گذاران پنهان می‌کند. رها کردن این فعالیت‌ها از نظارت نیز می‌تواند درآمدهای عمومی را کاهش دهد، حقوق نیروی کار را تضعیف کند و زمینه انحصار را فراهم آورد. بنابراین، راه‌حل نه حذف اقتصاد غیررسمی است و نه پذیرش بی‌قیدوشرط آن؛ بلکه باید ظرفیت‌های مولد شناسایی و مسیر ورود تدریجی کسب‌وکارهای شکل‌گرفته در بحران به اقتصاد رسمی هموار شود.

این مسئله در آینده پس از جنگ نیز اهمیت خواهد داشت. اگر شبکه‌های غیررسمی بتوانند به فعالیت‌های مولد، اشتغال پایدار و انتقال تجربه کمک کنند، بخشی از ظرفیت آنها می‌تواند در بازسازی اقتصادی به کار گرفته شود. اما اگر وابستگی به مبادلات غیرشفاف و مناسبات مبتنی بر دسترسی انحصاری تثبیت شود، بازگشت به اقتصاد شفاف و رقابتی دشوارتر خواهد شد. اقتصادی که در دوران بحران فقط بر راه‌حل‌های موقت تکیه کند، ممکن است در کوتاه‌مدت از فروپاشی فاصله بگیرد، اما در بلندمدت با کاهش سرمایه‌گذاری، ضعف بهره‌وری و فرسایش اعتماد عمومی روبه‌رو شود. به همین دلیل، سیاست‌گذاری در این حوزه باید از همان دوران بحران به پیامدهای پساجنگ توجه داشته باشد.

در نهایت، اقتصاد سایه را باید یکی از نشانه‌های توان سازگاری جامعه و در عین حال بازتاب محدودیت‌های ساختار رسمی اقتصاد دانست. این بخش می‌تواند در شرایط جنگی به استمرار زندگی اقتصادی کمک کند، اما جایگزین پایدار نهادهای کارآمد، نظام تأمین اجتماعی و سیاست‌گذاری اقتصادی شفاف نخواهد شد. قدرت واقعی یک کشور زمانی آشکار می‌شود که بتواند ظرفیت‌های پراکنده جامعه را بدون تبدیل آنها به شبکه‌های انحصاری و رانتی به کار گیرد. در چنین شرایطی، تاب‌آوری اقتصادی صرفاً به معنای دوام آوردن در برابر محاصره نیست؛ بلکه توانایی حفظ تولید، حمایت از معیشت و تبدیل سازوکارهای اضطراری به بنیانی برای بازسازی و توسعه نیز هست. کشوری که این تمایز را درک نکند، ممکن است از فروپاشی فوری عبور کند، اما همچنان در برابر بحران‌های آینده آسیب‌پذیر باقی بماند.

«ابتکار» از درخواست جبهه پایداری از مجلس و شعام برای خروج از ان‌پی‌تی گزارش می‌دهد

نسخه پرهزینه در شرایط جنگی

گروه سیاسی - در شرایطی که سایه احتمال درگیری نظامی دوباره میان ایران و آمریکا همچنان بر کشور سنگینی می‌کند و دستگاه دیپلماسی برای جلوگیری از گسترش بحران در تلاش است، جبهه پایداری با انتشار بیانیه‌ای خواستار خروج فوری ایران از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای شده است. این تشکل سیاسی از نمایندگان مجلس و اعضای شورای عالی امنیت ملی خواسته روند قانونی خروج از این پیمان را آغاز کنند و هم‌زمان دکترین دفاعی کشور مورد بازنگری قرار گیرد. درخواستی که هرچند با استناد به ناکارآمدی نهادهای بین‌المللی مطرح شده، اما پرسش مهم‌تری را پیش روی افکار عمومی قرار می‌دهد: آیا در وضعیت کنونی، افزودن یک بحران هسته‌ای تازه به مجموعه چالش‌های امنیتی و اقتصادی کشور، اقدامی در جهت منافع ملی است؟

پرسش این است که چرا یک جریان سیاسی داخلی باید درست در زمانی که ایران به کاهش فشارهای بین‌المللی نیاز دارد، پیشنهادی مطرح کند که ممکن است زمینه‌شکل‌گیری اجماع تازه علیه کشور را فراهم سازد؟

نسخه‌ای برای روزهای پرخطر

جبهه پایداری در بیانیه خود مدعی شده تجربه جنگ‌های اخیر و عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نشان داده که ادامه عضویت ایران در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای دیگر توجیهی ندارد. این تشکل، آژانس را به ایفای نقشی تسهیل‌کننده در حملات علیه تأسیسات هسته‌ای ایران متهم کرده و خروج از پیمان را راهی برای تقویت بازدارندگی معرفی کرده است. انتقاد از عملکرد آژانس و استانداردهای دوگانه قدرت‌های غربی، موضوع تازه‌ای نیست. حمله به تأسیسات هسته‌ای تحت نظارت بین‌المللی نیز نگرانی‌هایی جدی درباره اعتبار سازوکارهای نظارتی ایجاد کرده است. بااین‌حال، پذیرش وجود چنین مشکلاتی لزوماً به معنای درست بودن راه‌حل پیشنهادی جبهه پایداری نیست.

مسئله اصلی، تفاوت میان بیان نارضایتی سیاسی و تصمیم‌گیری راهبردی است. خروج از یک پیمان بین‌المللی ممکن است در قالب بیانیه، اقدامی قاطع به نظر برسد؛ اما پیامدهای آن در عرصه امنیت ملی، مناسبات خارجی و اقتصاد کشور بسیار پیچیده‌تر خواهد بود.

هدیه‌ای ناخواسته به واشنگتن؟

مهم‌ترین ضعف پیشنهاد جبهه پایداری، بی‌توجهی کافی به زمان طرح آن است. ایران و آمریکا در یکی از حساس‌ترین مقاطع روابط خود قرار دارند و احتمال ازسرگیری درگیری نظامی همچنان یکی از نگرانی‌های اصلی محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، خروج ایران از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای می‌تواند بهانه تازه‌ای در اختیار جریان‌های تندرو در واشنگتن و تل‌آویو قرار دهد تا ادعاهای خود درباره اهداف برنامه هسته‌ای ایران را تقویت کنند.

البته خروج از این پیمان به‌خودی‌خود به معنای تصمیم برای ساخت سلاح هسته‌ای نیست؛ همان‌گونه که عضویت در آن نیز تضمینی برای جلوگیری از حمله نظامی محسوب نمی‌شود. بااین‌حال، در فضای پرتنش کنونی، برداشت سیاسی و امنیتی دیگر کشورها از چنین تصمیمی اهمیت فراوانی دارد.

پرسش این است که چرا یک جریان سیاسی داخلی باید درست در زمانی که ایران به کاهش فشارهای بین‌المللی نیاز دارد، پیشنهادی مطرح کند که ممکن است زمینه شکل‌گیری اجماع تازه علیه کشور را فراهم سازد؟

بازدارندگی با بیانیه ساخته نمی‌شود

جبهه پایداری یکی از مزایای خروج از پیمان را تقویت بازدارندگی معرفی کرده است؛ ادعایی که نیازمند توضیح و بررسی بیشتری است. بازدارندگی تنها به ایجاد ابهام درباره ظرفیت‌های نظامی محدود نمی‌شود. توان دفاعی، انسجام داخلی، ثبات اقتصادی، اعتبار دیپلماتیک و امکان مدیریت بحران نیز از عناصر مهم بازدارندگی هستند. کشوری که با تهدید نظامی مواجه است، باید هزینه اقدام خصمانه علیه خود را افزایش دهد؛ اما این هدف الزاماً با کاهش شفافیت هسته‌ای یا خروج از تعهدات بین‌المللی محقق نمی‌شود. حتی ممکن است تصمیمی که با هدف افزایش بازدارندگی اتخاذ می‌شود، در عمل سطح سوءظن و احتمال محاسبه اشتباه طرف مقابل را افزایش دهد.

از این منظر، جبهه پایداری باید توضیح دهد که خروج از پیمان چگونه و با چه سازوکاری امنیت تأسیسات هسته‌ای، دانشمندان و شهروندان ایرانی را افزایش خواهد داد.

هزینه‌هایی که ساده گرفته می‌شوند

در بیانیه جبهه پایداری پذیرفته شده که خروج از پیمان ممکن است با فشارهای سیاسی و تحریم‌های تازه همراه باشد، اما منافع احتمالی آن بیشتر ارزیابی شده است. مشکل این استدلال، فقدان برآورد روشن از هزینه‌هاست. تشدید فشارهای اقتصادی در شرایطی که جامعه با مشکلات معیشتی مواجه است، موضوعی نیست که بتوان آن را صرفاً هزینه جانبی یک تصمیم سیاسی دانست.

خروج از پیمان همچنین می‌تواند مناسبات ایران با کشورهایی را پیچیده‌تر کند که تاکنون از حق استفاده صلح‌آمیز تهران از انرژی هسته‌ای حمایت کرده‌اند. حتی روسیه و چین نیز لزوماً از اقدامی که آینده رژیم عدم اشاعه را با ابهام بیشتری مواجه کند، استقبال نخواهند کرد.

سیاست خارجی موفق باید میان منافع احتمالی و هزینه‌های قابل پیش‌بینی توازن برقرار کند. اعلام اینکه مزایای خروج بیشتر است، بدون ارائه محاسبه‌ای معتبر، برای تصمیمی با چنین ابعاد گسترده‌ای کفایت نمی‌کند.

حق قانونی، الزام سیاسی نیست

جبهه پایداری برای توجیه پیشنهاد خود به ماده دهم پیمان استناد کرده است. این ماده به کشورهای عضو اجازه می‌دهد در صورت وقوع رویدادهای فوق‌العاده مرتبط با موضوع پیمان که منافع عالی آن‌ها را به خطر اندازد، با رعایت تشریفات مقرر از آن خارج شوند. اما وجود حق قانونی خروج، به معنای ضرورت استفاده فوری از آن نیست. این ماده همچنین اطلاع‌رسانی سه ماه پیش از خروج به دیگر اعضا و شورای امنیت سازمان ملل را پیش‌بینی کرده است.

بنابراین، تصمیم درباره خروج نیازمند بررسی دقیق پیامدهای حقوقی، امنیتی و سیاسی است. از سوی دیگر، باید میان مسئولیت آژانس در نظارت هسته‌ای و مسئولیت نهادهای بین‌المللی در جلوگیری از تجاوز نظامی تفاوت گذاشت. انتقاد از عملکرد آژانس می‌تواند مبنای مطالبه اصلاح سازوکارها باشد، اما خروج از پیمان الزاماً مشکل فقدان تضمین‌های امنیتی را حل نمی‌کند.

سیاست خارجی، میدان رقابت جناحی نیست

نکته نگران‌کننده دیگر، تبدیل موضوعی راهبردی به عرصه رقابت‌های سیاسی داخلی است. تصمیم درباره آینده عضویت ایران در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، مستقیماً با امنیت میلیون‌ها ایرانی ارتباط دارد و نمی‌تواند تابع ضرورت‌های تبلیغاتی یا رقابت جناح‌ها باشد. جبهه پایداری حق دارد دیدگاه خود را مطرح کند؛ اما از جریانی که خواستار اقدامی با پیامدهای گسترده است، انتظار می‌رود علاوه بر بیان مزایا، سناریوهای منفی و راهکارهای مقابله با آن‌ها را نیز ارائه دهد.

در شرایطی که دستگاه دیپلماسی برای جلوگیری از جنگ تازه تلاش می‌کند، مسئولیت جریان‌های سیاسی افزایش انسجام ملی و پرهیز از اقداماتی است که می‌تواند فضای تصمیم‌گیری را دشوارتر کند.

منافع ملی فراتر از شعار

تردیدی نیست که ایران حق دارد نسبت به عملکرد نهادهای بین‌المللی اعتراض کند و برای حفاظت از حقوق هسته‌ای خود خواستار تضمین‌های معتبر شود. بااین‌حال، دفاع از منافع ملی تنها با انتخاب مواضع سخت‌گیرانه تعریف نمی‌شود. گاهی حفظ یک ابزار حقوقی، حتی اگر کارآمدی آن محدود باشد، برای جلوگیری از افزایش فشارهای خارجی اهمیت دارد. خروج از پیمان نیز باید آخرین گزینه یک ارزیابی جامع باشد، نه نخستین پاسخ به ناکارآمدی نهادهای بین‌المللی. در آستانه احتمال درگیری دوباره، ایران بیش از هر زمان به تصمیم‌های سنجیده، هماهنگی نهادی و کاهش زمینه‌های سوءبرداشت نیاز دارد.

پیشنهاد جبهه پایداری زمانی قابل دفاع خواهد بود که روشن کند چگونه امنیت کشور را بیشتر، هزینه جنگ را سنگین‌تر و فشار اقتصادی بر مردم را کمتر می‌کند. تا آن زمان، این پرسش پابرجاست که آیا چنین نسخه‌ای واقعاً برای تقویت امنیت ایران نوشته شده یا ممکن است ناخواسته به تشدید همان بحرانی کمک کند که کشور در تلاش برای جلوگیری از آن است؟

رئیس مرکز پژوهش های مجلس تشریح کرد

دلیل نجومی شدن قیمت مسکن

رئیس مرکز پژوهش های مجلس، با تاکید بر اینکه مسکن صرفا یک موضوع ساختمانی نیست و با اشتغال، خانواده، تحصیل فرزندان و امنیت روانی مردم ارتباط مستقیم دارد، گفت: دولت باید به جای معرفی خود به عنوان سازنده مسکن، با فعال سازی زمین‌های بلااستفاده، تامین زیرساخت های موردنیاز، ساماندهی بازار خریدوفروش و اجاره و حمایت مالی از گروه‌های هدف، زمینه حل تدریجی مشکلات این حوزه را فراهم کند.

به گزارش ایسنا، بابک نگاهداری با اشاره به مسئله مسکن در کشور، گفت: مسئله مسکن صرفا به ساختمان محدود نمی‌شود بلکه با اشتغال، خانواده، تحصیل فرزندان و امنیت روانی خانواده‌ها گره خورده است. برای فردی که مستأجر است، تمدید قرارداد اجاره تنها یک موضوع اقتصادی نیست بلکه با آرامش روانی و امکان برنامه‌ریزی برای زندگی او ارتباط مستقیم دارد. ازاین‌رو، مسکن به‌طور کامل با زندگی روزمره مردم درآمیخته است.

وی ادامه داد: در سال‌های گذشته عوامل مختلفی موجب افزایش قیمت مسکن و اجاره‌بها در کشور شده‌اند. در شرایط تورمی، مردم برای حفظ ارزش سرمایه خود، دارایی‌هایشان را به سمت بازار مسکن هدایت می‌کنند و این مسئله به افزایش قیمت مسکن و اجاره‌بها دامن می‌زند. البته عوامل دیگری نیز در این زمینه مؤثرند.

یکی از این عوامل، کمبود زمین‌های شناسایی‌شده و آماده‌ای است که بتوان آن‌ها را وارد بازار مسکن کرد. همچنین، تسهیلاتی که برای خرید مسکن در اختیار مردم قرار می‌گیرد، متناسب با قیمت خانه و هزینه‌های خرید و اجاره آن نیست. نگاهداری افزود: از سوی دیگر، مقررات ساخت‌وساز در کشور در بسیاری از موارد برای سازندگان دست‌وپاگیر است و فرایند ساخت‌وساز نیز به‌سادگی و روانی انجام نمی‌شود. نبود بازار حرفه‌ای و سامان‌یافته برای اجاره مسکن نیز یکی دیگر از مشکلات این حوزه به شمار می‌رود.

رئیس مرکز پژوهش های مجلس ادامه داد: در بسیاری از موارد عملکرد بخش مسکن را صرفا بر اساس تعداد واحدهای ساخته‌شده ارزیابی می‌کنیم؛ درحالی‌که مهم‌تر از تعداد واحدهای مسکونی، این است که آیا مسکن ساخته‌شده با محل اشتغال خانواده‌ها، مدارس فرزندان و دسترسی به حمل‌ونقل عمومی تناسب دارد یا خیر. اگر این تناسب برقرار نباشد، ممکن است یک مشکل حل شود، اما ده‌ها مشکل دیگر به خانواده‌ها تحمیل شود.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه در حوزه مسکن با سه گروه اصلی مواجه هستیم، یادآور شد: گروه نخست، اقشار کم‌درآمد جامعه هستند که برای تأمین مسکن خود به حمایت و کمک جدی نیاز دارند. گروه دوم، حقوق‌بگیران و زوج‌های جوان هستند که باید از طریق تسهیلات و سازوکارهای تأمین مالی مورد حمایت قرار گیرند تا بتوانند مشکل مسکن خود را حل کنند. گروه سوم نیز مستأجران هستند که باید برای آن‌ها ثبات در قراردادهای اجاره ایجاد شود تا بتوانند با امنیت روانی بیشتری زندگی خود را مدیریت کنند.

نگاهداری، با بیان اینکه دولت نباید خود را به‌عنوان سازنده مسکن معرفی کند، تصریح کرد: وظیفه دولت این است که زمین‌های بلااستفاده را برای ساخت مسکن فعال کند، زیرساخت‌های موردنیاز برای توسعه این بخش را فراهم آورد، بازار خریدوفروش و اجاره را تنظیم کند و حمایت‌های مالی لازم را برای گروه‌های هدفی که به آن‌ها اشاره شد، در نظر بگیرد.

رئیس مرکز پژوهش های مجلس، در جمع بندی با بیان اینکه مسئله مسکن را نمی‌توان در یک ماه حل کرد، گفت: دولت می‌تواند با آغاز فرایند سامان‌دهی این حوزه، ابتدا برای ایجاد ثبات در قراردادهای اجاره اقدام کند. در مرحله بعد، باید زمین‌های بلااستفاده را شناسایی و وارد چرخه ساخت‌وساز مسکن کند. همچنین، ضروری است پروژه‌هایی که فاقد خدمات و زیرساخت‌های لازم هستند، متوقف شوند تا توسعه مسکن به شکلی متوازن و متناسب با نیازهای واقعی خانواده‌ها پیش برود.

رئیس‌جمهور در آیین آغاز سرشماری نفوس و مسکن تأکید کرد

ضرورت عبور از وضعیت نه جنگ نه صلح

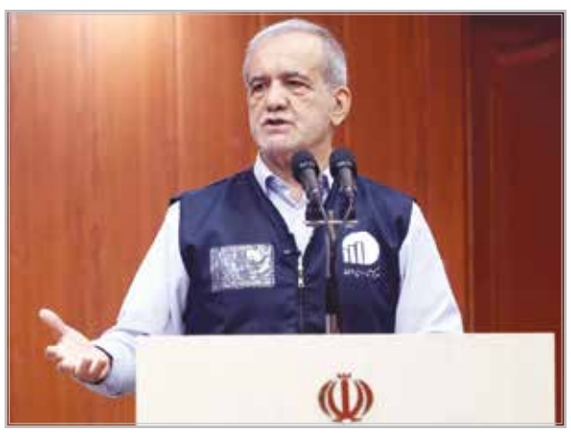

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری، در آیین آغاز سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۴۰۵، خروج از وضعیت «نه جنگ، نه صلح» را ضرورتی برای برنامه‌ریزی و اداره کشور دانست. او با اشاره به اهمیت شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری شرایط، تأکید کرد که بلاتکلیفی مانع تصمیم‌گیری مؤثر می‌شود. پزشکیان همچنین خواستار استفاده از داده‌های دقیق در سیاست‌گذاری، توزیع عادلانه منابع، اصلاح یارانه‌ها، هوشمندسازی خدمات و پایان اختلافات فرساینده میان مسئولان شد.

پایان بلاتکلیفی برای برنامه‌ریزی

رئیس‌جمهوری با بیان اینکه کشور برای پیشرفت به محیطی روشن و قابل پیش‌بینی نیاز دارد، گفت باید از شرایط «نه جنگ، نه صلح» خارج شد. او یادآور شد که رهبر شهید انقلاب نیز بر پایان دادن به این وضعیت تأکید کرده بودند، زیرا در شرایط ابهام نمی‌توان برای آینده برنامه‌ریزی کرد. پزشکیان گفت تلاش‌هایی برای پایان دادن به این وضعیت صورت گرفت، اما طرف مقابل قواعد را برهم زد. بااین‌حال، او همچنان بر ضرورت یافتن راهی برای عبور از شرایط کنونی اصرار کرد و ظرفیت‌های انسانی، جغرافیایی و معدنی ایران را پشتوانه‌ای ارزشمند برای توسعه دانست. به گفته وی، بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها مستلزم اصلاح نگرش‌ها، همدلی و کنار گذاشتن اختلافات است.

سرشماری؛ مبنای تصمیم‌های عادلانه

پزشکیان آغاز سرشماری ثبتی‌مبنا را اقدامی ارزشمند توصیف کرد و گفت سیاست‌گذاری بدون اطلاعات دقیق نمی‌تواند به تحقق عدالت و انصاف منجر شود. او تأکید کرد که داده‌های صحیح باید مبنای برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی قرار گیرند تا سهم هر منطقه از امکانات متناسب با نیازهای واقعی تعیین شود. رئیس‌جمهوری گفت مدیران استانی و محلی باید ابتدا شناخت دقیقی از شرایط جغرافیایی، جمعیتی و امکانات موجود به دست آورند و سپس تصمیم بگیرند. به اعتقاد او، نبود اطلاعات معتبر، زمینه تصمیم‌های نادرست، تبعیض و نارضایتی عمومی را فراهم می‌کند. وی خواستار ثبت فعالیت‌ها و شاخص‌های عملکردی شد تا امکان نظارت، ارزیابی و اصلاح تصمیم‌ها وجود داشته باشد.

مردم عدالت می‌خواهند، نه دعوا

رئیس‌جمهوری با انتقاد از اختلافات میان مسئولان گفت مردم به جای مشاهده اجرای عدالت، دعواهای مدیران را می‌بینند و همین مسئله نارضایتی ایجاد می‌کند. او تأکید کرد که معیار قضاوت درباره مسئولان باید عملکرد واقعی آنان باشد، نه ادعاهای سیاسی یا مذهبی. پزشکیان گفت از هر فردی که درست‌تر، کارآمدتر، کم‌هزینه‌تر و باکیفیت‌تر عمل کند، یاد خواهد گرفت. به گفته او، مسئولان باید در عمل نشان دهند که به حق و انصاف پایبند هستند. وی هشدار داد تصمیم‌گیری در فضای مبهم و بر پایه اطلاعات نادرست، به بی‌عدالتی منجر می‌شود و مدیران موظف‌اند پاسخ‌گوی نتایج اقدامات خود باشند.

توزیع منابع و اصلاح یارانه‌ها

پزشکیان تأکید کرد که امکانات آموزشی، بهداشتی و سایر منابع عمومی باید بر اساس عدالت میان استان‌ها و مناطق توزیع شود. او گفت برخورداری گروهی محدود از امکانات در کنار محرومیت دیگران، شکاف اجتماعی و نارضایتی را تشدید می‌کند. رئیس‌جمهوری درعین‌حال تصریح کرد که اصلاح توزیع منابع نباید با زور و فشار یا تضییع حقوق افراد انجام شود. او اصلاح نظام پرداخت یارانه‌ها را یکی از ابزارهای تحقق عدالت دانست و گفت باید منابع بیشتری به کسانی اختصاص یابد که از امکانات کمتری برخوردارند. از نگاه وی، عدالت زمانی معنا دارد که مردم آثار آن را در زندگی روزمره خود مشاهده کنند و گفتار مسئولان با عملکردشان هماهنگ باشد.

هوشمندسازی برای مقابله با فساد

رئیس‌جمهوری بر ضرورت ثبت برخط اطلاعات و استفاده از فناوری‌های نوین در اداره کشور تأکید کرد. او گفت وقتی فعالیت‌ها به‌صورت دقیق ثبت شوند، امکان شناسایی تخلف، قاچاق، رانت و رشوه افزایش می‌یابد و نظارت مؤثرتر خواهد شد. پزشکیان خواستار کوتاه شدن زنجیره ارائه خدمات شد تا منابع و امکانات مستقیماً به مصرف‌کننده نهایی برسند. او به سامانه اطلاعات مکان‌محور «جی‌نف» اشاره کرد و گفت چنین ابزارهایی می‌توانند ساخت‌وساز غیرمجاز و تعرض به منابع طبیعی را در زمان وقوع شناسایی کنند. به گفته وی، هوشمندسازی علاوه بر پیشگیری از تخلف، پاسخ‌گویی دستگاه‌ها را تقویت و زمینه سوءاستفاده از فرایندهای اداری را محدود می‌کند.

مشارکت مردم در ساختن آینده

پزشکیان با تأکید بر نقش برنامه‌ریزی در پیشرفت کشور گفت طرح‌های توسعه باید با ویژگی‌های اقلیمی و ظرفیت‌های هر منطقه سازگار باشند و ارزش افزوده ایجاد کنند. او خواستار بهره‌گیری از دانش نخبگان، متخصصان و همه دلسوزان کشور شد و گفت مشارکت مردم در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، شرط حکمرانی مطلوب است.

رئیس‌جمهوری تأکید کرد که هیچ مسئله‌ای با همدلی و همکاری حل‌نشدنی نیست و همه می‌توانند در آبادانی کشور سهم داشته باشند. او از مسئولان خواست به جای رقابت‌های بی‌حاصل، برای ارائه خدمات بهتر و افزایش بهره‌وری رقابت کنند. به گفته پزشکیان، آینده نسل بعدی به تصمیم‌های امروز وابسته است و تنها با برنامه‌ریزی مبتنی بر واقعیت، عدالت در توزیع فرصت‌ها و انسجام اجتماعی می‌توان مسیر توسعه پایدار ایران را هموار کرد.

اخبار

محور موضوعات دیدار پزشکیان و پوتین در روسیه

سفیر جمهوری اسلامی ایران در روسیه با اشاره به دیدار روسای جمهور دو کشور در مسکو؛ اعلام کرد که دکتر پزشکیان رئیس جمهور کشورمان جهت شرکت در مجمع کشورهای صادر کننده گاز به مسکو سفر خواهد کرد.

کاظم جلالی سفیر کشورمان در مسکو در گفت‌وگو با ریانووستی در پاسخ به این سوال که «آیا تاریخ دقیق سفر دکتر پزشکیان به مسکو مشخص شده است؟ کی قرار است ایشان به روسیه سفر داشته باشند و برنامه سفر چه خواهد بود؟» اظهار کرد: جناب دکتر پزشکیان رئیس جمهور اسلامی ایران به منظور شرکت در اجلاس سران کشورهای صادرکننده گاز که روز سه شنبه ۲۷ اکتبر (۵آبان) برگزار خواهد شد به مسکو سفر خواهند کرد. در حال برنامه ریزی جزئیات سفر ایشان‌هستیم.

وی همچنین درباره این‌که آیا قرار است رئیس جمهور کشورمان با پوتین دیدار کند؟ و موضوعات در این مذاکرات چه خواهد بود؟، گفت: دکتر پزشکیان در این سفر علاوه بر حضور در نشست سران کشورهای صادرکننده گاز با چند تن از سران کشورهای حاضر در مسکو نیز ملاقات و گفت‌وگو خواهد کرد. ملاقات روسای جمهور دو کشور نیز تنظیم شده است.

به گزارش ایسنا، این دیپلمات کشورمان تصریح کرد: طی ماه‌های اخیر، رئیس جمهور پزشکیان و رئیس جمهور پوتین بارها با یکدیگر ملاقات و گفت‌وگو کرده‌اند. در همه ملاقات‌های انجام شده، طیف وسیعی از موضوعات مورد بحث قرار گرفته است. تعدد موضوعات متناسب با سطح همکاری‌های دو کشور و شرایط خطیر منطقه و جهان است.

جلالی افزود: عمده موضوعات قابل بحث، همکاری‌های اقتصادی و تجاری بین ایران و روسیه خواهد بود. موضوعاتی مانند کریدور شمال - جنوب، امنیت انرژی، امنیت غذایی و توسعه مناسبات تجاری. در عین حال دو رئیس جمهور در خصوص موضوعات ژئوپلتیک، بین‌المللی و سیاسی نیز تبادل نظر خواهند کرد.

سفیر کشورمان در روسیه همچنین درباره این‌که آیا انتظار می‌رود که در جریان سفر دکتر پزشکیان ایران و روسیه قراردادها و توافقاتی را به‌امضا برسانند؟، ابراز داشت: در این سفر، سندی بین دو رئیس جمهور امضا نخواهد شد.

هشدار سفارت ایران در باکو به هموطنان ایرانی

سفارت جمهوری اسلامی ایران در باکو با توجه به افزایش موارد بروز مشکلات برای هموطنان ایرانی از سوی افراد و شرکت‌های مدعی ارائه مشاوره و خدمات مهاجرت، اخذ اقامت، اشتغال، تحصیل، سرمایه‌گذاری و خرید ملک، بر لزوم هوشیاری و مراقبت بیشتر شهروندان ایرانی در این زمینه تأکید دارد.

سفارت کشورمان در جمهوری آذربایجان اعلام کرد، در ماه‌های اخیر تعداد قابل توجهی از هموطنان ایرانی تحت تاثیر تبلیغات بی‌اساس، اخبار نادرست و وعده‌های کذب اخذ اقامت و تسهیل مهاجرت به کشورهای اروپایی از طریق جمهوری آذربایجان و یا تحصیل، اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی در این جمهوری دچار گرفتاری شده و علاوه بر مال‌باختگی، با اتهاماتی همچون جعل اسناد، عبور غیرمجاز و نقض قوانین و مقررات بازداشت و زندانی شده‌اند.

سفارت جمهوری اسلامی ایران در باکو به هموطنان عزیز ایرانی اکیداً توصیه می‌نماید، نسبت به صحت و اعتبار مطالب و تبلیغاتی که در این زمینه در فضای مجازی صورت می‌گیرد، توجه کافی داشته و بدون شناخت و کسب اطمینان، از هرگونه پرداخت وجه و یا همکاری با این افراد خودداری نمایند. لازم به ذکر است صرفا سفارت جمهوری اسلامی در باکو (و بخش کنسولی سفارت) و سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در نخجوان، به عنوان نمایندگان رسمی ایران در جمهوری آذربایجان فعالیت داشته و متولی ارائه خدمات کنسولی بوده و هرگونه ادعای نمایندگی یا انتساب به آنها کذب و فاقد وجاهت می باشد.

هموطنان ایرانی می‌توانند برای کسب راهنمائی، اطلاعات بیشتر و یا در صورت مواجهه با مشکل به بخش کنسولی سفارت جمهوری اسلامی ایران در باکو مراجعه و یا از طریق شماره های زیر تماس بگیرند.

تلفن همراه و مبادله پیام از طریق واتساپ (بصورت ۲۴ ساعته) ۹۹۴۵۰۲۴۳۳۴۳۸+

تلفن ثابت: ۰۰۹۹۴۱۲-۴۳۳۰۳۱۱ و ۴۳۴۰۳۴۰-۰۰۹۹۴۱۲